

A Review of Effectiveness of Teaching Philosophy to Children on Critical Thinking Skills of Sixth-Grade Students

Nayereh Shahmohammadi*

Abstract

The current study aims to investigate the impact of teaching philosophy to children on critical thinking skills of sixth-grade elementary students in the city of Rey. It is an applied and quasi-experimental research study using the pretest-posttest design involving a control group. Among the statistical population consisting of female students in the sixth-grade elementary school at the city of Rey, a number of 60 subjects were selected as the research sample. The subjects were randomly assigned to two experimental and control groups (n= 30). The teaching process for the experimental group was implemented during 10 one-hour sessions; however, the control group continued their normal activities with no additional training sessions. The teaching was done using Lipman's approach to philosophy for children (P4C). The research instrument was the Ricketts' (2003) Critical Thinking Disposition Questionnaire for which the reliability was obtained after a pilot test on 30 students using the Cronbach's alpha of 0.82. The Analysis of covariance (ANCOVA) method was carried out for data analysis. The results indicate that teaching philosophy to children has a significant impact on their critical thinking and its components (creativity, commitment, maturity), also it enhances the levels of critical thinking among the sixth-grade elementary students being studied.

Keywords: Philosophy for Children, Critical Thinking, Creativity, Commitment, Maturity.

* Assistant Professor, Organization for Educational Research and Planning (OERP), Ministry of Education, nsh_teh@yahoo.com

Date received: 05/04/2020, Date of acceptance: 23/07/2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان در تفکر انتقادی دانش آموزان پایه ششم

نیره شاه‌محمدی*

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان در تفکر انتقادی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر ری است. این پژوهش از نوع کاربردی و تجربی و به روش نیمه‌آزمایشی با استفاده از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون همراه با گروه کنترل صورت گرفت. از میان جامعه آماری دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهر ری شصت نفر برای نمونه انتخاب شد. آن‌ها در دو گروه سی نفری کنترل و آزمایش به صورت تصادفی قرار داده شدند. آموزش برای گروه آزمایش طی ده جلسه یک‌ساعته انجام شد، اما افراد گروه کنترل بدون دریافت آموزش به فعالیت معمول خود ادامه دادند. آموزش با استفاده از برنامه آموزش فلسفه برای کودکان لیپمن صورت گرفت. ابزار پژوهش پرسش‌نامه تفکر انتقادی ریکتس بود که پایایی آن پس از اجرای اولیه برای سی دانش آموز با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد. داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس تحلیل شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که آموزش فلسفه برای کودکان در تفکر انتقادی و مؤلفه‌های آن (خلاقیت، تعهد، بالندگی) تأثیر معناداری داشته است و موجب افزایش آن در دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر ری شده است.

کلیدواژه‌ها: فلسفه برای کودکان، تفکر انتقادی، خلاقیت، تعهد، بالندگی.

* استادیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ایران، nsh_teh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۲

۱. مقدمه

از بین دوره‌های تحصیلی رسمی قبل از دانشگاه، دوره ابتدایی به لحاظ رشد، تربیت، و تکوین شخصیت کودکان دوره بسیار مهمی است. این دوره را دوره اطاعت، تأدیب، خلاقیت، و بروز استعدادهاى عمومی هم گفته‌اند. از آن‌جاکه یکی از ویژگی‌های اساسی دانش‌آموزان این دوره آگاهی از رفتار خود و برخورداری از نیروی تفکر است، برنامه‌های آموزشی این دوره لازم است اندیشیدن، پرسیدن، و درست انتقادکردن را در دانش‌آموزان ارتقا دهند (دره‌زرسکی و دیگران ۱۳۹۶) و با تربیت انسان‌های متفکر و خلاق، تفکر انتقادی را در آن‌ها پرورش دهند (سرمدی و دیگران ۱۳۹۸).

تفکر انتقادی از کلمه یونانی «کریتیک» (critic) گرفته شده که به معنی هنر قضاوت است (Miller and Mclean 2010). تفکر انتقادی را تفکر منطقی و مستدلی تعریف می‌کنند که مرکز توجه آن تصمیم‌گیری و قضاوت در مورد باورها و اعمال است. به اعتقاد لیپمن (Lipman 2008)، وقتی فردی تلاش می‌کند تا مباحث را دقیقاً تحلیل کند، مدارک معتبری جست‌وجو کند، و به نتیجه‌گیری‌های معتبر برسد تفکرش انتقادی خواهد بود. تفکر انتقادی شامل دو جنبه مهارت تفکر انتقادی و گرایش به تفکر انتقادی است. جنبه مهارت تفکر انتقادی بر راه‌بردهای شناختی، و جنبه گرایش به تفکر انتقادی بر اجزای نگرشی تفکر و انگیزه پایدار درونی برای حل مسائل تأکید دارد. مهارت‌های تفکر انتقادی به‌خودی‌خود نوعی از مهارت‌های شناختی است (Miller and Mclean 2010). این نوع از تفکر دارای سه مؤلفه تفکر خلاق، تعهد، و بالندگی است (Glaser 2017).

تفکر خلاق فرایند احساس خلاءها و اختلال عناصر غایب، شکل‌دهی ایده‌ها و فرضیه‌هایی درباره آن‌ها، آزمودن این فرضیه‌ها، برآورد نتایج، تعبیر، و آزمودن دوباره این فرضیه‌هاست. انسان برای خلق نشاط و پویایی در زندگی نیازمند تفکر خلاق است تا انگیزه تنوع‌طلبی خود را ارضا کند (بختیارپور و دیگران ۱۳۹۴). بالندگی را تنظیم سازگارانه تحولی می‌دانند که در نتیجه آن افراد فراتر از منافع شخصی حرکت می‌کنند و ضمن ارزش نهادن به نظام اجتماعی، مروج برابری، دموکراسی، عدالت اجتماعی، و آزادی فردی می‌شوند و خود را متعهد به عمل می‌دانند. شاخص‌های بالندگی در افراد عبارت‌اند از موفقیت تحصیلی، کمک به دیگران، ارزش نهادن به تفاوت‌ها، حفظ سلامت شخصی، توان رهبری، مقاومت در برابر خطر، و توان غلبه بر سختی‌ها (Scales and Benson 2009). تعهد نوعی نگرش است، نیرویی است که شخص را به انجام عمل یا اهدافی مقید می‌کند. تعهد

حالتی است که فرد توسط فعالیت‌های خود ملزم می‌شود و از این طریق باور به ادامه آن‌ها دارد (Ennis 2011). با توجه به مؤلفه‌های ذکر شده، می‌توان اذعان کرد که تفکر انتقادی فرایندی پیچیده ولی هدف‌مند است که اطلاعات به دست آمده از آن معقول و منطقی است. این نوع تفکر منعکس‌کننده تفکر و تعمق است، بدان معنی که چگونه می‌توان روی تفکرات خود، به منظور دستیابی به نتایج مورد نیاز، تمرکز کرد. پرورش این نوع از تفکر در دانش‌آموزان سبب می‌شود دید نقادانه به مسائل خود و جامعه داشته باشند و مقلد صرف اندوخته‌های دیگران نباشند، بیندیشند، با تفکر نقاد نظام‌های ارتجاعی فکری، سیاسی، و اجتماعی را در هم بریزند، و با این مهارت‌ها سبب تحولات عمیق در زندگی خود و دیگران در جامعه شوند (یوسفی و گردان‌شکن ۱۳۹۰).

متأسفانه با وجود تأکید و توجه به تفکر نقادانه در اهداف نظام‌های آموزشی و ادعاهای مسئولان، متصدیان، و مجریان آموزشی، خصوصاً در مقطع ابتدایی، در عمل برای تشویق دانش‌آموزان به تفکر و به‌ویژه به‌کارگیری تفکر انتقادی اراده و انگیزه کافی وجود ندارد (کریمیان‌پور و دیگران ۱۳۹۵). مدارس به دلیل کمبود امکانات آموزشی و بهره‌نگرفتن مناسب از نیروی متخصص در این زمینه از روش‌های آموزشی متناسب برای رشد تفکر انتقادی استفاده نمی‌کنند (کیخا ۱۳۹۶). معلمان نیز، با وجود اظهاراتی که حاکی از پذیرفتن این فرض است که تفکر انتقادی راه آموزش بیش‌تر و بهتر را هموار می‌کند، با استفاده از شیوه‌های قالبی و حذف واقعیت‌ها و ایجاد محیط خشک انضباطی، زمینه حفظ کردن اطلاعات درسی را فراهم می‌کنند. آنان این نکته را فراموش کرده‌اند که حفظ کردن مطالب و انباشتن ذهن دانش‌آموز از اطلاعات مرتبط و نامرتبط با زندگی واقعی سبب به‌هدر رفتن هزینه‌ها، امکانات، و توان افراد می‌شود (کریمیان‌پور و دیگران ۱۳۹۵). باید در نظر داشت که اگر میزان تفکر انتقادی در دانش‌آموزان پایین باشد، سطح خلاقیت و خودکارآمدی تحصیلی، اجتماعی، و هیجانی در این افراد پایین می‌آید و در نتیجه میزان موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تضعیف می‌شود (صادقی و دیگران ۱۳۹۵). بنابراین، لازم است معلمان فرصت‌هایی را برای تمرین مهارت‌ها و روش‌های تفکر انتقادی برای دانش‌آموزان تدارک ببینند و با استفاده از روش‌های نوین تدریس زمینه‌های یادگیری، توسعه تفکر انتقادی، و افزایش اعتماد به نفس را در دانش‌آموزان فراهم آورند (Jassen et al. 2016)، با عنایت به اهمیت و نقش تفکر انتقادی و تأکید سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر پرورش تربیت‌یافتگانی که از توان تفکر و درک و کشف پدیده‌ها و روی دادها به‌عنوان آیات الهی برخوردار باشند (سند تحول آموزش و پرورش ۱۳۹۰).

برای آموزش تفکر به دانش‌آموزان برنامه‌های متعددی تدوین و استفاده شده است. یکی از موفق‌ترین و پرکاربردترین برنامه‌های موجود برنامه آموزش فلسفه برای کودکان (teaching philosophy for children) است. با توجه به دیدگاه‌هایی که درباره فلسفه وجود دارد، فلسفه را می‌توان به دو گونه آموزش داد: در دیدگاه اول، آموزش فلسفه انتقال اندیشه‌های فلسفی به یادگیرندگان است و در دیدگاه دوم، عبارت از یاددادن چگونه اندیشیدن است (سجادیان جاغرق و دیگران ۱۳۹۶).

این برنامه را متیو لیپمن (Mathew Lipman) و همکارانش در دانشگاه مونتکلر (Montclair University) ایالات متحد تهیه کرده‌اند (Austin 2020). لیپمن در برنامه فلسفه برای کودکان از رویکرد مسئله‌محور (problem based approach) استفاده می‌کند. او معتقد است که معلمان باید برای جلب علاقه شاگردان مطالبی را مطرح کنند که متضمن شوک و شگفتی فکری باشد (Lipman 2008). فیشر معتقد است که این برنامه روشی موفق در آموزش تفکر است (Fisher 2019). هدف این برنامه با دیگر برنامه‌های فلسفه کاربردی اندکی متفاوت است. به بیان دیگر، این برنامه نمی‌خواهد موضوعات فلسفی را برای غیرفلسوفان روشن و مسائل آن‌ها را حل کند، بلکه می‌خواهد به دانش‌آموزان کمک کند تا خودشان کار فکری کنند و مسائل خود را حل کنند (سجادیان جاغرق و دیگران ۱۳۹۴).

در برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان، تمام عناصر برنامه درسی از قبیل هدف، محتوا، نقش معلم و شاگرد، روش تدریس، و اصول طراحی و سازمان‌دهی برنامه درسی مدنظر قرار گرفته است (همان). هسته مرکزی این برنامه دربرگیرنده تعدادی داستان فلسفی هم‌راه با کتاب‌های راهنمای معلمان است. این داستان‌ها پر از معما، پرسش، و مسائلی درباره مفاهیم رقابت‌طلبی و حوادث ویژه کودکان‌اند که محرکی برای تفکر، پرسش، و تفکر انتقادی در آنان است (Topping et al. 2019). برنامه فلسفه برای پرورش توان پرسش‌گری و تفکر انتقادی در کودکان (که هر دو از مؤلفه‌های پژوهش‌گری‌اند) الگوی مناسبی را در حلقه کندوکاو ارائه می‌دهد. در این برنامه تلاش می‌شود کودکان تشویق شوند تا با فرایند ذهنی شخصیت‌های داستان ارتباط برقرار کنند و به دنبال پاسخی برای ابهامات و نکات شگفت‌انگیز داستان باشند. از این طریق، آن‌ها هم شیوه پرسش و پاسخ را در پیش می‌گیرند و هم برای آن ارزش قائل می‌شوند (Murriss et al. 2016).

اهداف کلی برنامه فلسفه برای کودکان عبارت‌اند از آموزش روش فکرکردن، ایجاد مباحثه فلسفی از طریق آفرینش اجتماع پژوهشی در سطح کلاس، و پرورش تفکر انتقادی

(Topping et al. 2019). این برنامه، هم‌چون ابزاری اساسی برای رشد خلاقیت کودکان، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا بهتر استدلال کنند (Falah et al. 2020).

برنامه فلسفه برای کودکان دارای ویژگی‌هایی چون مهارت‌های شناختی، ارزیابی دلایل و عقاید، کشف و تجزیه و تحلیل مفاهیم، شناسایی لایه‌های زیرین احتمالات و فرضیه‌ها، دیدن پیوستگی‌ها، شناسایی استدلال‌های غلط، آزمون فرضیه‌ها، تعمیم نتایج، تنظیم سؤالات (Murriss 2016)، روشن‌سازی ایده‌ها، تنظیم مباحث، تصحیح‌کردن و تغییردادن مباحث از پاسخ به انتقاد، پیداکردن مثال‌ها و مثال‌های مرتبط، پیداکردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها، کسب دیدگاه گشوده‌تر و دیدن چشم‌اندازهای گسترده‌تر، تنظیم و آزمودن معیارها، ثابت‌قدم‌بودن، خودتصحیحی، مهارت‌های مشارکتی، خوب گوش‌کردن به دیگران، داشتن ذهنی باز، احترام به دیدگاه دیگران، اطمینان به سخنان خود، تمایل به پیش‌نهاد انتقادی، تمایل به پذیرش انتقادات و پاسخ به آن‌ها، اقدامات شایسته و مناسب برای کاوش‌گری، و ارزش قائل‌شدن به عقلانیت است (Lipman 2008).

پژوهش‌های مروری و فراتحلیلی متعددی در زمینه آموزش فلسفه برای کودکان انجام پذیرفته است. تجربه جهانی و شواهد به‌دست‌آمده در بیش از پنجاه کشور جهان نشان می‌دهد که «فلسفه برای کودکان» به افزایش عملکردهای غیرشناختی از جمله مهارت‌های ارتباطی، هم‌دلی، انصاف، و عدالت (Siddiqui et al. 2019)، پرورش شهروندانی دموکراتیک، فعال، و آگاه (Burgh 2018)، افزایش خودگردانی (Cassidy et al. 2018)، و رشد مهارت‌های فکری (Roche 2015) در کودکان کمک می‌کند. این برنامه تأثیر به‌سزایی در ویژگی‌های فردی کودکان مانند دغدغه‌ها، تفکرات، باورها، و تعاملات اجتماعی آنان دارد (Lamb 2016). به رشد توانایی استدلال و رشد شناختی (Bleazby 2009) کمک می‌کند، و اعتمادبه‌نفس آنان را افزایش می‌دهد (Nia 2015). برنامه فلسفه برای کودکان به افزایش دانش و حساسیت و نگرانی محیط‌زیستی (سرمدی و دیگران ۱۳۹۸)، بهبود رفتار مدنی - تحصیلی و مؤلفه‌های آن یعنی یاری‌رساندن و مشارکت اجتماعی (قبادیان ۱۳۹۸)، کاهش احساس تنهایی و ناامیدی (چراغ‌زاده و دیگران ۱۳۹۸)، افزایش توانایی تعامل با هم‌تایان، و کاهش معنادار سرزنش خود (محمدیان و فرقدانی ۱۳۹۷) در کودکان منجر می‌شود. برنامه فلسفه برای کودکان در تفکر منطقی و ابعاد آن، استنباط، استنتاج، تعبیر و تفسیر، و ارزش‌یابی استدلال‌های منطقی (دره‌زرسکی و دیگران ۱۳۹۶) و رشد مهارت‌های اجتماعی مؤثر است (قبادیان ۱۳۹۴) و باعث بهبود آن‌ها می‌شود. تمام این پژوهش‌ها تأثیر مثبت آموزش فلسفه برای کودکان را نشان می‌دهند.

باتوجه به اهمیت و ضرورت پرورش تفکر انتقادی در دانش‌آموزان و این‌که یکی از اهداف اصلی برنامه آموزش فلسفه به کودکان پرورش تفکر انتقادی در آنان است، در این پژوهش میزان تأثیر آموزش فلسفه در تفکر انتقادی و مؤلفه‌های آن (خلاقیت، بالندگی، و تعهد) در دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهر ری بررسی شده است.

۲. فرضیه‌ها

۱.۲ فرضیه کلی پژوهش

آموزش فلسفه برای کودکان در تفکر انتقادی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهر ری تأثیر دارد.

۲.۲ فرضیه‌های جزئی پژوهش

الف) آموزش فلسفه برای کودکان در خلاقیت دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهر ری تأثیر دارد؛

ب) آموزش فلسفه برای کودکان در بالندگی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهر ری تأثیر دارد؛

ج) آموزش فلسفه برای کودکان در تعهد دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهر ری تأثیر دارد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر را می‌توان در قلمرو پژوهش‌های تجربی (نیمه‌آزمایشی) در نظر گرفت. باتوجه به محدودیت امکان نمونه‌گیری تصادفی و برای اعمال حداکثر کنترل در پژوهش، طرح پژوهش حاضر از نوع آزمایشی و با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون همراه با گروه کنترل و جای‌گزینی تصادفی بود. در این پژوهش آزمودنی‌ها به صورت تصادفی در دو گروه قرار گرفتند و سپس به صورت تصادفی یکی از گروه‌ها به منزله گروه آزمایش و گروه دیگر به منزله گروه کنترل انتخاب شدند. مؤلفه‌های آزمون در افراد گروه آزمایش و گروه کنترل یک بار قبل از اجرای بسته آموزشی و یک بار بعد از اجرای بسته آموزشی اندازه‌گیری شد.

۱.۳ جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهر ری در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ بود. به منظور انتخاب نمونه با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس یک مدرسه دوره دوم ابتدایی از شهر ری مشخص شد. سپس دو کلاس سی نفره پایه ششم ابتدایی آن، که از نظر میانگین معدل پیشرفت تحصیلی مشابه بودند، انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار داده شدند. گروه آزمایش برنامه آموزشی را در ده جلسه یک‌ساعتی دریافت کرد، ولی در گروه گواه هیچ مداخله‌ای رخ نداد. برای کنترل حداکثری متغیرهای تعدیل‌کننده از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد.

۲.۳ ابزارهای اندازه‌گیری

به منظور گردآوری اطلاعات در بخش میدانی از پرسش‌نامه تفکر انتقادی (Ricketts 2003) استفاده شد. پرسش‌نامه تفکر انتقادی دارای ۳۳ سؤال و شامل ۳ زیرمقیاس است. قسمت اول شامل ۱۱ سؤال برای سنجش مقیاس خلاقیت، قسمت دوم شامل ۹ سؤال درباره مقیاس بالندگی، و قسمت سوم شامل ۱۳ سؤال برای مقیاس تعهد است که آزمودنی براساس مقیاس پنج‌گزینه‌ای به آن پاسخ می‌گوید. نمره‌گذاری پرسش‌نامه ۱ = کاملاً مخالف، ۲ = مخالف، ۳ = نامشخص، ۴ = موافق، ۵ = کاملاً موافق بود. پایایی این پرسش‌نامه را ایزدی فرد و سیاسی آشتیانی (۱۳۸۹) به وسیله ضریب آلفای کرونباخ (Cronbach's alpha) برای کل نمونه ۰/۹۴، برای آزمودنی‌های دختر ۰/۹۵، و برای آزمودنی‌های پسر ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز پرسش‌نامه به سی نفر ارائه شد و پایایی هر یک از مؤلفه‌های خلاقیت، بالندگی، و تعهد براساس آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۲، و ۰/۸۴ به دست آمد. پایایی کل پرسش‌نامه در این پژوهش ۰/۸۳ محاسبه شد.

۳.۳ روش اجرا

پژوهش حاضر با رویکرد «فلسفه برای کودکان» در ده جلسه یک‌ساعتی (هر هفته دو جلسه) برای گروه آزمایش صورت گرفت. محتوای جلسات آموزشی براساس کتاب *بهبودهایی برای فکرکردن: روشی برای پرورش تفکر فلسفی در کودکان و نوجوانان*، اثر

محبوبه اسپیدکار (۱۳۹۵)، طراحی شده است. پنج جلسه اول با تمرکز بر رابطه افکار و هیجان‌ها، خطای ادراکی، قضاوت صحیح، عدم قطعیت، و درک صحیح روابط علی - معلولی (به‌منظور کاهش احساس تهدید، تعارض، و خودسرزندی) و پنج جلسه آخر نیز با تمرکز بر انگیزه‌های مختلف افراد در رسیدن به اهداف طراحی شده بود. اهداف و محتوای جلسات در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. شرح جلسات آموزش فلسفه

شماره جلسه	موضوع	فعالیت‌ها
جلسه اول	اخذ پیش‌آزمون، معارفه و یادگیری قوانین کارگاه، اهمیت پیش‌فرض‌های ذهنی در احساس و ادراک و خطای ادراکی	لمس شیئی با چشمان بسته و بحث درمورد ماهیت آن، سپس ارائه شیء و ذکر دلایل برای تشخیص احتمالی اشتباه، بررسی موقعیت‌های مشابه در روابط میان‌فردی و نقش تکیه صرف بر حواس، اطلاعات ناقص و در نتیجه ادراک غلط
جلسه دوم	توجه هم‌زمان به جزئیات و کلیات برای قضاوت منطقی، نقش تفکر در کنار حواس برای ادراک دقیق‌تر و روی‌دادها	مشاهده بخشی از اشیای داخل جعبه از داخل یک سوراخ کوچک و حدس زدن ماهیت آن، بررسی موارد مشابه منجر به قضاوت و حدس اشتباه آن‌ها در زندگی، احساس و رفتار تجربه‌شده و بررسی گزینه‌های متفاوت تفکر در آن موقعیت
جلسه سوم	دوری از تعصب در روبه‌رو شدن با تغییرات مثبت و منفی در زندگی	قراردادن اجزای صورت در صورتک‌های مقوایی در محل‌های دل‌خواه و بررسی احساس آن‌ها در روبه‌رو شدن با صورتک‌های غیرمعمول و عجیب، بررسی شکل‌های متفاوت نگاه کردن به یک روی‌داد، احساسات مثبت و منفی مربوط با آن و رابطه نگاه متفاوت و احساس متفاوت
جلسه چهارم	درک روابط علی و معلولی و احتمال وجود دلایل چندگانه برای یک روی‌داد	بررسی روش‌های مختلف تولید گرما مانند استفاده از کش لاستیکی به‌منزله روشی متفاوت، بررسی موقعیت‌هایی در زندگی که افراد پس از بررسی بیشتر متوجه اشتباه خود در تشخیص علت بروز مشکلی شده‌اند
جلسه پنجم	بررسی رابطه تفکر و زبان و استمرار جریان تفکر حتی در سکوت	مرور وقایع زمانی نزدیک (امروز و دیروز) بدون صحبت کردن و در سکوت، بررسی موقعیت‌هایی که تفکر و صحبت یا تفکر به‌تنهایی صورت گرفته است و افکار مثبت و منفی مرتبط و شیوه‌های متفاوت تفکر برای پرهیز از عصبانی، نگران یا غمگین شدن
جلسه ششم	بررسی مفاهیم ذهنی «تمام» بودن یا کامل بودن	تعریف کردن داستان در جست‌وجوی قطعه گم‌شده و بررسی علت احساس ناقص بودن دایره و رها کردن قطعه گم‌شده پس از یافتن آن. بررسی دلایل کودکان از انجام تکالیف درسی در منزل یا انتظارات تحصیلی در مدرسه و مقایسه احساسات و اهداف و پی‌آمدهای تجربه‌شده در هر موقعیت

بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان در ... (حسین عابد دوست) ۱۰۳

ادامهٔ مباحث جلسهٔ گذشته و نتیجه‌گیری نهایی در مورد احساس خوب دایره باوجود آن‌که بدون قطعه ماند و تمام و کامل نشد	بررسی مفهوم کمال در نسبت با انگیزه‌های درونی و خودگردان افراد	جلسهٔ هفتم
پخش پویانمایی هورتون	بررسی دلایل و اهداف مختلف افراد در مسیر رسیدن به موفقیت تحصیلی	جلسهٔ هشتم
پرسیدن سؤال‌هایی در مورد پویانمایی هورتون که شامل عملکرد قهرمانان و مشکلات آن‌ها در نجات شهر ذره‌ای می‌شود. بررسی شباهت بین کودکان و قهرمانان پویانمایی با توجه به موقعیت‌های تحصیلی و انگیزه‌ها و دلایل متفاوت آن‌ها در طی مسیر موفقیت تحصیلی	بررسی دلایل و اهداف مختلف افراد در مسیر رسیدن به موفقیت تحصیلی	جلسهٔ نهم
ارائهٔ داستان «دانهٔ نی» و طرح سؤال در مورد نمادها در مرحلهٔ تولد، مرگ، و تبدیل نی به نیستان در بافت زندگی انسانی، جمع‌بندی جلسات، و پس‌آزمون	بررسی دلایل و اهداف مختلف افراد در مسیر رسیدن به موفقیت در زندگی	جلسهٔ دهم

در طول مدت آموزش، هر دو گروه آزمایش و کنترل، در کلاس‌های آموزشی مدرسه به صورت یک‌سان شرکت داشتند و از دانش‌آموزان گروه آزمایش خواسته شد که در فاصلهٔ بین جلسات تا پایان دورهٔ مداخله از بیان کردن گفت‌وگوها و برنامه‌های جلسات آموزشی با دانش‌آموزان گروه کنترل خودداری کنند.

۴.۳ تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های به دست آمده از شاخص‌های آمار توصیفی مثل میانگین و انحراف استاندارد، کجی یا چولگی، و انحراف معیار استفاده شد. برای بررسی فرضیات پژوهش از آمار استنباطی استفاده شد. ابتدا نرمال بودن داده بررسی و سپس آزمون تحلیل کوواریانس (covariance test) انجام شد.

۴. یافته‌های پژوهش

۱.۴ داده‌های توصیفی و استنباطی

جدول ۲ میانگین و انحراف معیار نمرات تفکر انتقادی و مؤلفه‌های آن را در گروه‌های آزمایش و کنترل در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان می‌دهد که از افزایش میانگین نمرات کلی تفکر انتقادی و مؤلفه‌های آن در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون در گروه آزمایش نشان دارد که این بیان‌گر تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان در تفکر انتقادی دانش‌آموزان گروه آزمایشی در مقایسه با گروه کنترل است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمرات تفکر انتقادی در گروه‌های آزمایش و کنترل در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیر	گروه	تعداد	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
			میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
تفکر انتقادی	آزمایش	۳۰	۳۱/۵۱	۱۱/۴۷	۴۳/۲۵	۱۴/۴۶
	کنترل	۳۰	۴۱/۴۶	۱۲/۵۳	۴۲/۱۲	۱۳/۱۷
خلاقیت	آزمایش	۳۰	۲۱/۴۵	۸/۴۷	۲۳/۲۶	۱۱/۳۴
	کنترل	۳۰	۲۸/۴۹	۱۱/۶۳	۲۸/۶۲	۱۱/۷۰
بالندگی	آزمایش	۳۰	۲۰/۵۴	۱۱/۷۶	۲۲/۳۴	۱۳/۴۵
	کنترل	۳۰	۲۶/۵۲	۱۰/۶۳	۲۶/۶۴	۱۰/۷۵
تعهد	آزمایش	۳۰	۲۲/۵۲	۱۲/۰۴	۲۴/۲۷	۱۴/۲۱
	کنترل	۳۰	۳۱/۴۲	۱۳/۵۷	۳۲/۰۲	۱۳/۷۸

برای بررسی مفروضه‌ها و معنی‌داری تفاوت‌های مشاهده‌شده بین متغیرهای پیش‌گفته از تحلیل کوواریانس استفاده شد. به این منظور، ابتدا مفروضه‌های لازم برای انجام این تحلیل بررسی شد که نتایج هرکدام از آن‌ها به تفکیک در ادامه گزارش می‌شود.

جدول ۳ نتایج آزمون شاپیرو- ویلک (Shapiro-Wilk) برای بررسی نرمال‌بودن توزیع متغیرهای پژوهش است. توزیع متغیرها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش و گواه نرمال است، چراکه مقادیر W محاسبه‌شده در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی‌دار نیست ($P > ۰/۰۵$).

جدول ۳. نتیجه آزمون طبیعی بودن با آزمون شاپیرو- ویلکز برای بررسی توزیع نمرات

متغیرهای وابسته	آماره نرمال بودن		سطح معناداری	
	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	پیش‌آزمون	پس‌آزمون
تفکر انتقادی	۲/۰۴۹	۰/۸۹۱	۰/۱۵۲	۰/۴۰۶

در جدول ۴ نتایج آزمون لوین (Leven's test) جهت بررسی همگنی واریانس‌های بین گروه‌ها آورده شده است. نتایج آزمون لوین نشان می‌دهد که پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها بین گروه‌ها محقق شده است، چراکه F ‌های محاسبه‌شده در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی‌دار نیست ($P > ۰/۰۵$).

جدول ۴. نتایج آزمون لوین درمورد پیش‌فرض همگنی خطای واریانس‌ها

متغیرهای وابسته	آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معناداری
تفکر انتقادی	۰/۳۳۱	۱	۲۸	۰/۵۷۰

بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان در ... (حسین عابد دوست) ۱۰۵

جدول ۵ نتایج آزمون امباکس (Mbox) برای بررسی همگنی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس را نشان می‌دهد؛ براساس نتایج این آزمون، چون سطح معنی‌داری به‌دست آمده بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، داده‌های تحقیق فرض تساوی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس را زیر سؤال نبرده است.

جدول ۵. نتایج آزمون امباکس (Mbox) مبنی بر همگنی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس

متغیرهای وابسته	آماره آزمون امباکس	آماره آزمون F	سطح معناداری
تفکر انتقادی	۵۳/۶۷۷	۱/۰۲۴	۰/۴۳۰

جدول ۶ نتایج تحلیل همگنی شیب رگرسیون در نمرات تفکر انتقادی را نشان می‌دهد. باتوجه‌به نتایج مندرج در این جدول، پیش‌فرض همگنی شیب‌های رگرسیون در گروه‌های مورد مطالعه محقق شده است، چراکه مقدار F تعامل متغیر مستقل و هم‌تغییر در متغیر وابسته در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی‌دار نیست ($P > 0.05$).

جدول ۶. نتایج همگنی شیب خط رگرسیون

متغیرهای پژوهش	منبع تغییرات	آماره آزمون F	سطح معناداری
تفکر انتقادی	گروه پیش‌آزمون	۲/۲۱۱	۰/۲۹۸

باتوجه‌به برقراری مفروضه‌های مربوطه، برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد که نتایج آن در ادامه می‌آید.

۲.۴ فرضیه کلی پژوهش

آموزش فلسفه برای کودکان در تفکر انتقادی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهر ری تأثیر دارد.

برای آزمون فرضیه کلی تحقیق از تحلیل کوواریانس استفاده شد. جدول ۷ نشان می‌دهد که پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون اثر معنی‌دار متغیر مستقل با متغیر وابسته ($F=23/116, P < 0.001$) وجود داشت. در نتیجه، چنین استنباط می‌شود که تفاوت بین میانگین‌های تعدیل‌شده دو گروه در مرحله پس‌آزمون معنادار بوده است، بدین معنی که آموزش فلسفه برای کودکان در تفکر انتقادی دانش‌آموزان تأثیر داشته و موجب افزایش آن شده است. بنابراین، فرضیه کلی تحقیق تأیید می‌شود.

جدول ۷. خلاصه تحلیل کوواریانس بررسی اثر آموزش فلسفه در تفکر انتقادی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهر ری

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
پیش‌آزمون	۱۷۵/۳۹۱	۱	۱۷۵/۳۹۱	۷/۵۵۱	۰/۰۰۱	۰/۱۳۹
تفکر انتقادی (اثر گروه)	۵۸۳/۲۷۴	۱	۵۸۳/۲۷۴	۲۳/۱۱۶	۰/۰۰۱	۰/۶۸۰
اثر خطا	۶۲۷/۱۳۰	۲۷	۲۳/۲۲۷			

۳.۴ فرضیه‌های جزئی پژوهش

الف) آموزش فلسفه برای کودکان در خلاقیت دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهر ری تأثیر دارد؛

ب) آموزش فلسفه برای کودکان در بالندگی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهر ری تأثیر دارد؛

ج) آموزش فلسفه برای کودکان در تعهد دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهر ری تأثیر دارد.

جدول ۸ آزمون تحلیل کوواریانس برای بررسی اثر آموزش فلسفه برای کودکان در مؤلفه‌های تفکر انتقادی (خلاقیت، بالندگی، و تعهد) در دانش‌آموزان پایه‌های ششم ابتدایی شهر ری را نشان می‌دهد. باتوجه به نتایج جدول، مقدار F محاسبه شده برای مؤلفه خلاقیت ($F=17/84, P<0/001$)، مؤلفه بالندگی ($F=21/68, P<0/001$)، و مؤلفه تعهد ($F=11/12, P<0/001$) در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی دار است. بنابراین، چنین استنباط می‌شود که در مرحله پس‌آزمون بین میانگین نمرات مؤلفه‌های خلاقیت، بالندگی، و تعهد در دو گروه مورد مطالعه تفاوت معنی داری وجود دارد و آموزش فلسفه برای کودکان موجب افزایش مؤلفه‌های تفکر انتقادی در دانش‌آموزان شده است. بنابراین، تمام فرضیه‌های جزئی تحقیق تأیید می‌شوند.

بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان در ... (حسین عابد دوست) ۱۰۷

جدول ۸ خلاصه تحلیل کوواریانس بررسی اثر آموزش فلسفه در مؤلفه‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهر ری

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
پیش‌آزمون	۱۷۷/۰۱	۱	۱۷۷/۰۱	۱۰/۶۹۱	۰/۰۰۱	۰/۳۸
خلایقت (اثر گروه)	۵۹۶/۱۲۰	۱	۵۹۶/۱۲۰	۱۷/۸۴	۰/۰۰۱	۰/۷۴
اثر خطا	۱۴۷/۳۴	۲۷	۱۴۷/۳۴			
پیش‌آزمون	۱۸۱/۲۰۴	۱	۱۸۱/۲۰۴	۱۳/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۶۴
بالندگی (اثر گروه)	۶۰۴/۲۱۷	۱	۶۰۴/۲۱۷	۲۱/۶۸	۰/۰۰۱	۰/۸۳
اثر خطا	۱۵۸/۶۱	۲۷	۱۵۸/۶۱			
پیش‌آزمون	۱۷۹/۶۱	۱	۱۷۹/۶۱	۱۱/۱۲	۰/۰۰۱	۰/۵۳
تعهد (اثر گروه)	۵۸۴/۴۸	۱	۵۸۴/۴۸	۱۵/۷۸	۰/۰۰۱	۰/۷۵
اثر خطا	۱۹۷/۶۲	۲۷	۱۹۷/۶۲			

۵. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که آموزش فلسفه برای کودکان در تفکر انتقادی و مؤلفه‌های آن تأثیر معناداری دارد و موجب افزایش آن در دانش‌آموزان ابتدایی شده است. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های دیگری از جمله پژوهش‌های دره‌زرشکی و دیگران (۱۳۹۶)، عابدینی نظری (۱۳۹۵)، رضایی و دیگران (۱۳۹۳)، نادری و دیگران (۱۳۹۱)، و نیا (Niya 2015)، که تاحدودی در این زمینه صورت گرفته‌اند، هم‌سو است که همگی نشان از تأثیر مثبت آموزش فلسفه در تفکر انتقادی دانش‌آموزان دارند.

مطابق دیدگاه لیپمن، کودکی که در مهارت‌های تفکر خبره شده است صرفاً کودکی نیست که بزرگ شده است، بلکه کودکی است که ظرفیت رشد او افزایش یافته است (لیپمن و دیگران ۱۳۹۵). کودکی که به ابزار تفکر مجهز است روش‌های صحیح تفکر را می‌داند در مواجهه با دنیای در حال تغییر و چالش‌های آن موفق عمل می‌کند و به سمت زندگی‌ای سالم و معقول هدایت می‌شود. در جامعه متکثر و متنوع امروز که کودکان با انتخاب‌های متعدد و متنوع مواجه‌اند باید دارای قدرت قضاوت و انتخاب صحیح و نیز توانایی تفکر نقادانه باشند. به همین دلیل، از اهداف اساسی هر نظام آموزشی تربیت انسان‌های هوشیار و آگاهی است که تفکر خود را برپایه استدلال صحیح و منطقی بنا نهند؛ در برخورد با دنیای پیرامون خویش، با اندیشه‌ای جامع و عمیق، جوانب مختلف امور را بررسی کنند؛ و از انعطاف بالایی در مواجهه با مسائل زندگی برخوردار باشند (مؤمنی

مهمونی و پرورش (۱۳۹۵). پرورش مهارت‌های تفکر خود راهی مطمئن برای دست‌یافتن به اهدافی دیگر از جمله تفکر انتقادی است. در این زمینه، برنامه فلسفه برای کودکان با تکیه بر تفکر کودکان از موفق‌ترین و پرکاربردترین برنامه آموزشی کودکان است (برهمن و خدابخشی صادق‌آبادی ۱۳۹۶). این برنامه می‌تواند از طریق آموزش روش فلسفه‌ورزی فرایندهای فکری را تحت‌تأثیر قرار دهد و در نهایت آن‌ها را برای ایفای نقش مناسب در جامعه آماده کند (لیپمن، به‌نقل از ویسی و دیگران ۱۳۹۴).

آموزش فلسفه به کودکان باعث افزایش کنج‌کاوی و پرسش‌های دانش‌آموزان، تمایل آن‌ها به اصلاح خود و شناخت خویشتن، احترام به دیگران، انعطاف‌پذیری، و احساس یگانگی معلم و دانش‌آموزان می‌شود. دانش‌آموزان با حضور در اجتماع پژوهشی، ضمن گفت‌وگو درباره محتوایی که معمولاً به‌شکل داستان ارائه می‌شود، درمورد مسائل موجود در جامعه و متن زندگی روزمره بحث و گفت‌وگو می‌کنند. داستان استعاره‌هایی برای زندگی واقعی انسان را خلق می‌کند و هم‌چنین موجب پیوند انسان با آن است. از مشخصه‌های این استعاره تمرکز حول محور شخصیتی خاص است که هدف و انگیزه دارد و برای رسیدن به هدفش با موانعی روبه‌رو است. جریان مبارزات این شخصیت و حوادثی که برای او روی می‌دهد به خواننده هم مربوط می‌شود و او را به تفکر وامی‌دارد. آنچه در داستان ترسیم می‌شود، کم‌وبیش، شبیه آن چیزی است که هر انسانی می‌تواند در زندگی واقعی خود تجربه کند (فیشر به‌نقل از هدایتی و شاطالبی ۱۳۹۲). برنامه آموزش فلسفه به کودکان بدون نیاز به هیچ‌گونه زور و اجبار از طرف معلم باعث ایجاد حس شایستگی و توان‌مندی و افزایش عزت‌نفس در دانش‌آموزان می‌شود (Austin 2020).

ازسوی دیگر، هدف اصلی آموزش فلسفه برای کودکان تبدیل دانش‌آموزان به کاوش‌گرانی ماهر و جوان است. مراد از کاوش‌گر بودن جست‌وجوگر فعال و پرسش‌گر مصر بودن، هوشیاری دائمی برای مشاهده ارتباطات و اختلافات، آمادگی همیشگی برای مقایسه، مقابله و تحلیل فرضیه‌ها، تجربه مشاهده، سنجش، و امتحان است، بنابراین، در برنامه لیپمن، کلاس درس به جامعه‌ای پژوهش‌گر به‌منظور کاوش مشترک تبدیل می‌شود و کودکان با کار گروهی مهارت تفکر منطقی خود را افزایش می‌دهند (Lamb 2016). فلسفه برای کودکان در ره‌یافت لیپمن برنامه‌ای برای آموزش تفکر نقادانه و خلاق در درک ماهیت موضوعات فلسفی میان کودکان با تأکید بر سه محور خوداصلاح‌گری، داشتن حساسیت معقول به زمینه، و داوری برپایه اعتماد به ملاک‌هاست. در نتیجه، این برنامه را می‌توان به‌عنوان روشی اثربخش در بهبود و افزایش تفکر انتقادی دانش‌آموزان در نظر گرفت، به‌گونه‌ای که آموزش فلسفه به

دانش‌آموزان باعث می‌شود که آن‌ها بتوانند داده‌های درست و نادرست را از میان اطلاعات تشخیص بدهند، در مورد جای‌گزین‌ها و استخراج نتایج و تشخیص درستی یا نادرستی عبارات گمانه‌زنی کنند، دقت و توجه به نظرهای دیگران در آن‌ها افزایش یابد، خطاهای خود را بپذیرند، و توانایی استنباط آن‌ها بهبود یابد (Roche 2015). از آن‌جاکه بالندگی تنظیم سازگارانۀ تحولی است که در نتیجه آن، افراد جوان فراتر از منافع شخصی خود حرکت می‌کنند و ضمن ارزش‌نهادن به نظام اجتماعی، مروج برابری، دموکراسی، عدالت اجتماعی، و آزادی فردی می‌شوند و خود را متعهد به عمل در این زمینه می‌دانند (دژبانی ۱۳۹۴). آموزش فلسفه هم‌چون روش اثرگذار در نوع نگرش و تفکر افراد به انسان‌ها می‌آموزد تا در جامعه در کنار منافع شخصی، منافع دیگران را هم مدنظر قرار دهند و ضمن این‌که به قانون و ارزش‌های جامعه اهمیت می‌دهند، آزادی فردی خود را هم در نظر بگیرند و به ارزش‌ها و قوانین جامعه در عمل متعهد شوند (Topping et al. 2019). تعهد حالتی است که فرد توسط فعالیت‌های خود ملزم می‌شود و از این طریق به ادامه آن‌ها باور دارد. تعهد به افراد قدرت می‌دهد و رفتارهایشان را تحت شرایط مختلف تثبیت می‌کند. در نتیجه، می‌توان ابراز کرد که تعهد به سطح بالای وابستگی اجتماعی و روانی افراد به بعضی اشخاص یا اشیا در زندگی اجتماعی اشاره دارد و توقعات، فواید شخصی، عناصر اخلاقی، ایثار، و وفاداری را در بر می‌گیرد. آموزش فلسفه به کودکان باعث می‌شود که کودکان از همان دوران ابتدایی درقبال اطرافیان متعهد باشند و مسئولانه عمل کنند (یوسفی و گردان‌شکن ۱۳۹۰).

باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده، پیش‌نهاد می‌شود کارگاه و دوره‌های آموزشی – توجیهی در زمینه نقش آموزش فلسفه برای کودکان در پرورش خلاقیت، بالندگی، تعهد، و تفکر انتقادی در دانش‌آموزان برای معلمان، والدین، و مدیران مدارس گذاشته شود. هم‌چنین، بروشورهای آموزشی در زمینه نقش و اهمیت فلسفه در رشد و پرورش مهارت تفکر انتقادی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان در تابلوهای اعلانات مدارس نصب و برای اولیای دانش‌آموزان ارسال شود. هم‌چنین، یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند سازمان آموزش و پرورش را در تدوین محتوای کتاب درسی باتوجه به مبانی آموزش فلسفه برای کودکان و رشد تفکر در دانش‌آموزان، تهیه بسته‌های آموزشی برای رشد تفکر در دانش‌آموزان، برگزاری دوره‌های آموزشی برای معلمان و دانش‌آموزان، و به‌کارگیری بسته آموزشی فلسفه برای کودکان یاری رساند تا از این طریق دانش‌آموختگانی واجد توان‌مندی‌های شناختی و گرایش‌های عاطفی برای پژوهش و نوآوری پرورش یابند که آرمان همه نظام‌های آموزشی دنیاست.

کتابنامه

- اسپیدکار، محبوبه (۱۳۹۵)، *دنیایی که نمی‌شناسم: روشی برای پرورش تفکر فلسفی کودکان و نوجوانان*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ایزدی فرد، راضیه و میترا سپاسی آشتیانی (۱۳۸۹)، «اثر بخشی درمان شناختی-رفتاری با آموزش مهارت حل مسئله در کاهش علائم اضطراب امتحان»، *مجله علوم رفتاری*، س ۴، ش ۱.
- بختیارپور، سعید و دیگران (۱۳۹۲)، «تأثیر آموزش حل خلاق مسئله بر مؤلفه‌های خلاقیت دانش‌آموزان»، *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، س ۲، ش ۴.
- برهمن، مریم و فاطمه خدابخشی صادق‌آبادی (۱۳۹۶)، «آموزش فلسفه برای کودکان»، *پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، س ۲، ش ۹.
- چراغ‌زاده، مینا، رسول کرد نوقایی، و زهرا سهرابی (۱۳۹۸) *اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان بر احساس تنهایی و ناامیدی دانش‌آموزان*، *دوفصل‌نامه تفکر و کودک*، س ۱۰، ش ۱.
- دره‌زرشکی، نسرین، کاظم برزگر بفروئی، و احمد زندوانیان (۱۳۹۶)، «اثر بخشی آموزش فلسفه به شیوه حلقه کندوکاو بر تفکر انتقادی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی»، *فصل‌نامه روان‌شناسی شناختی*، س ۵، ش ۲.
- دژیانی، علی (۱۳۹۴)، «آموزش فلسفه برای کودکان (P4C) و پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی»، *دومین کنگره بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی*، اردیبل.
- رضایی نورمحمد و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در افزایش خلاقیت و مؤلفه‌های سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار، و بسط»، *فصل‌نامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، س ۴، ش ۲.
- سجادیان جاغرق، نرگس، یحیی قائدی، و معصومه امیری (۱۳۹۴)، «طراحی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان ایرانی در پایه اول ابتدایی»، *فصل‌نامه پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت*، س ۱، ش ۱.
- سرمدی، محمدرضا، مهدیه رضایی، و احمد روحانی‌فر (۱۳۹۸)، «تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر دانش، حساسیت، و نگرانی محیط‌زیستی دانش‌آموزان پایه هفتم متوسطه»، *دوفصل‌نامه تفکر و کودک*، س ۱۰، ش ۱.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران (۱۳۹۰)، وزارت آموزش و پرورش.
- صادقی، مسعود، پروانه رادمهر، و لیلا یوسف‌وند (۱۳۹۵)، «پیش‌بینی تفکر انتقادی براساس باورهای خودکارآمدی و تاب‌آوری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان»، *اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی و مطالعات اجتماعی ایران*، قم.
- عابدینی نظری، مرتضی (۱۳۹۵)، *تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر اعتماد به نفس و تفکر انتقادی دانش‌آموزان پسر دوره اول مقطع متوسطه منطقه شش تهران*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان در ... (حسین عابد دوست) ۱۱۱

عبداللهی، نیدا، اسکندر فتحی آذر، و وحیده عبداللهی عدلی انصار (۱۳۹۳)، «ارتباط تفکر انتقادی با خلاقیت، باورهای خودکارآمدی، و عملکرد تحصیلی دانشجو معلمان»، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، س ۲، ش ۷.

فرقدانی، آزاده و بنت‌الهدی محمدیان (۱۳۹۷)، «اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر ارزیابی تعارض بین والدین و خودگردانی تحصیلی»، دوفصل‌نامه تفکر و کودک، س ۹، ش ۱.

قبادیان، مسلم (۱۳۹۴)، «تأثیر برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی»، دوفصل‌نامه پژوهش‌های تربیتی، س ۳۰، ش ۱.

قبادیان، مسلم (۱۳۹۷)، «تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان بر رفتار مدنی - تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه نهم متوسطه اول، ناحیه یک خرم‌آباد»، دوفصل‌نامه تفکر و کودک، س ۹، ش ۱.

کریمیان‌پور، غفار، سیدمحمد سیدکلان، و لیلا عیاری (۱۳۹۴)، «مقایسه میزان گرایش دانش‌آموزان به تفکر انتقادی و خلاقیت و نوآوری بر اساس جو اجتماعی»، دوفصل‌نامه تفکر و کودک، س ۶، ش ۲.

کیخا، احمد (۱۳۹۶)، «تفکر انتقادی، حلقه مفقوده نظام آموزشی کشور»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی نقد متون و کتب علوم انسانی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

لیپمن، متیو، آن شارپ، و فردریک اشکانیان (۱۳۹۵)، فلسفه در کلاس درس، ترجمه محمدزهر باقری نوع‌پرست، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مؤمنی مهمونی، حسین و عفت پرورش (۱۳۹۵)، «تأثیر فلسفه برای کودکان از طریق حلقه‌های کندوکاو بر خلاقیت، سازگاری اجتماعی، و پیشرفت تحصیلی درس علوم دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی، فصل‌نامه پژوهش‌نامه تربیتی، س ۱۱، ش ۴۷.

نادری، عزت‌الله، علی شریعتمداری، و مریم سیف نراقی (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان پسر پایه اول مقطع متوسطه منطقه چهارده تهران»، دوفصل‌نامه تفکر و کودک، س ۳، ش ۱.

هدایتی، مهنوش و اکرم شاطالی (۱۳۹۲)، «تأثیر گفت‌وگوشنود منطقی در حلقه‌های کندوکاو فلسفی در کاهش نشانه‌های اختلالات روان‌تنی دانش‌آموزان دختر یازده تا دوازده‌سال شهر تهران»، دوفصل‌نامه تفکر و کودک، س ۴، ش ۲.

ویسی، مرضیه، محمدحسن میرزامحمدی، و اکبر رهنما (۱۳۹۴) «تدوین، اعتبار سنجی و رتبه بندی شاخص‌های مربی آموزش فلسفه به کودکان»، دوفصل‌نامه تفکر و کودک، س ۶، ش ۲.

یوسفی، علیرضا و مریم گردان‌شکن (۱۳۹۰)، «تفکر انتقادی»، آموزش در علوم پزشکی، ویژه‌نامه توسعه آموزش و ارتقای سلامت، س ۱۱، ش ۹.

Austin, A. (2020), *Philosophy for All Children: Enhancing Knowledge*, Doctoral Dissertation, School of Education, Te Puna Akopai.

- Benson, P. L. and P. C. Scales (2009), "The Definition and Preliminary Measurement of Thriving In Adolescence", *The Journal of Positive Psychology*, vol. 4, no. 1.
- Bleazby, J. (2009), "Philosophy for Children as a Response to Gender Problems", *Thinking: The Journal of Philosophy for Children*, vol. 19, no. 2-3.
- Burgh, G. (2018), "The Need for Philosophy in Promoting Democracy: A Case for Philosophy in the Curriculum", *Journal of Philosophy in Schools*, vol. 5, no. 1.
- Cassidy, C., S. J. Conrad, and M. J. de Figueiroa-Rego (2020), "Research with Children: A Philosophical, Rights-based Approach", *International Journal of Research and Method in Education*, vol. 43, no. 1.
- Ennis, R. H. (2011), "Critical Thinking", *Theory into practice*, vol. 32, no. 3.
- Falah Mehnehj, T., M. Yamini, and H. Mahdian (2020), "The Effect of Teaching Philosophy on Metacognitive and Irrational Beliefs of Male Students of Elementary School", *Journal of Research and Health*, vol. 10, no. 3.
- Fisher, A. (2019), "On What Critical Thinking Is", in: J. Anthony Blair (ed.), *Studies in Critical Thinking*, Windsor Studies in Argumentation, <<https://windsor.scholarsportal.info/omp/index.php/wsia/catalog/view/106/106/1005>>.
- Glaser, E. M. (2017), "Defining Critical Thinking", The International Center for the Assessment of Higher Order Thinking (ICAT, US)/ Critical Thinking Community, <<https://www.criticalthinking.org/pages/defining-critical-thinking/766>>.
- Gregory, M. R., J. Haynes, and K. Murriss (eds.), (2016), *The Routledge International Handbook of Philosophy for Children*, New York: Taylor and Francis
- Lamb, W. (2016), "Philosophy for Children and the 'whole Child'", *Journal of Philosophy in Schools*, vol. 2, no. 2.
- Lipman, M. (2008), *A Life Teaching Thinking*, Upper Montclair, New Jersey: The Institute for the Advancement of Philosophy for Children.
- McLean, C. P. and N. A. Miller (2010), "Changes in Critical Thinking Skills Following a Course on Science and Pseudoscience: A Quasi-Experimental Study", *Teaching of Psychology*, vol. 37, no. 2.
- Murriss, K. (2016), *The Posthuman Child: Educational Transformation through Philosophy with Picture Books. Routledge Contesting Early Childhood Series*, London: Routledge
- Nia, A. T. (2015), "Foster Self-Esteem in Adolescents: Lipmann Approach", *Journal of Educational and Management Studies*, vol. 4, no. 1.
- Roche, M. (2015), *Developing Children's Critical Thinking through Picture Books: A Guide for Primary and Early Years Students and Teachers*, London: Routledge.
- Ricketts, J. C. (2003), *The Efficacy of Leadership Development, Critical Thinking Dispositions, and Student Academic Performance on the Critical Thinking Skills of Selected Youth Leaders*, Doctoral Dissertation, University of Florida.
- Siddiqui, N., S. Gorard, and B. H. See (2019), "Can Programmes Like Philosophy for Children Help Schools to Look beyond Academic Attainment?", *Educational Review*, vol. 71, no. 2.
- Topping, K. J., S. Trickey, and P. Cleghorn (2019), *A Teacher's Guide to Philosophy for Children*, New York: Routledge.